



Reassessing the Jurisprudential Ruling on Women's Jihad in Light of the Changing Subject Matter of Modern Warfare in Islamic Law

Mahdi Miri

PhD in Private Law, Islamic Jurisprudence and the Principles of Islamic Law;
Level 4 graduate of the Khorasan Islamic Seminary. Postdoctoral Researcher
at Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.
Email: mirimahdi276@gmail.com

Abstract

Women's participation in military engagement is a significant issue in both the jurisprudence of defense and Islamic political jurisprudence. The dominant view in Imami jurisprudence has traditionally held that jihad is not obligatory for women and is primarily assigned to men. This position has largely been based on narrations excluding women from combat, assumptions concerning women's physical weakness, and claims of juristic consensus. This study re-examines the jurisprudential basis of that view in relation to modern forms of warfare. Adopting a descriptive-analytical method and a critical approach, it argues that the traditional distinction between male and female military roles emerged from an understanding of war as direct physical combat. With the rise of hybrid, cyber, electronic, and intelligence-based warfare, however, the criterion of physical weakness no longer retains the same legal relevance. As a result, many of the proofs invoked to deny the obligation of jihad for women do not readily extend to technologically advanced forms of warfare, given the change in the relevant subject matter. The study concludes that women's specialized participation in contemporary defense is not only legally legitimate, but may, on the basis of general Qur'anic principles, the Prophetic model of the distribution of defensive roles, and the obligation of i'dad al-quwwah, constitute a secondary legal obligation and, in some cases, even a primary one.

Keywords: Imami jurisprudence; defensive jihad; women's military participation; modern warfare; cyber defense; legal subject matter in Islamic jurisprudence



إعادة تقييم الحكم الفقهي لجهاد النساء في ضوء تغيّر الموضوع في الحروب الحديثة في الفقه الإسلامي

مهدي ميري

حاصلة على درجة الدكتوراه في القانون الخاص، والفقه ومبادئ الحقوق الإسلامية، كما أتممت المستوى الرابع في الحوزة العلمية الخراسانية. وأنا باحثة ما بعد الدكتوراه في جامعة الرضوي للعلوم الإسلامية، إيران، مشهد.

البريد الإلكتروني: mirimahdi276@gmail.com

الملخص

تُعَد مشاركة النساء في العمل العسكري من القضايا المهمة في فقه الدفاع والفقه السياسي الإسلامي. وقد استقرّ الرأي الغالب في فقه الإمامية على نفي وجوب الجهاد عن النساء وقصره، في الأصل، على الرجال، استناداً إلى الروايات التي تستبعد النساء من القتال، وإلى افتراضات تتعلق بالضعف الجسدي، وإلى دعوى الإجماع الفقهي. وتهدف هذه الدراسة إلى إعادة فحص الأساس الفقهي لهذا الرأي في ضوء أنماط الحروب الحديثة. وباعتماد المنهج الوصفي التحليلي والمقاربة النقدية، تبين الدراسة أنّ التمييز التقليدي بين الأدوار العسكرية للرجال والنساء نشأ من تصوّر الحرب بوصفها قتالاً بدنياً مباشراً. غير أنّ التحول إلى الحروب الهجينة والسيبرانية والإلكترونية والاستخبارية أضعف من القيمة التأسيسية لمعيار الضعف الجسدي في بناء هذا الحكم. ومن ثمّ، فإنّ جانباً مهماً من الأدلة التي استند إليها في نفي وجوب الجهاد عن النساء لا ينسحب بسهولة على الحروب التكنولوجية الحديثة، بسبب تغيّر الموضوع محلّ الحكم. وتخلص الدراسة إلى أنّ المشاركة التخصصية للنساء في الدفاع المعاصر ليست مشروعة فحسب، بل قد ترتقي، استناداً إلى العمومات القرآنية، والسيرة النبوية في توزيع الأدوار الدفاعية، ووجوب إعداد القوة، إلى مرتبة التكليف الثانوي، بل وإلى التكليف الأولي في بعض الموارد.

الكلمات المفتاحية: فقه الإمامية؛ الجهاد الدفاعي؛ المشاركة العسكرية للنساء؛ الحروب الحديثة؛ الدفاع السيبراني؛ الموضوع الفقهي في الفقه الإسلامي

بازتعریف فقهی حکم جهاد زنان در پرتو تحول موضوع شناختی جنگ‌های نوین در فقه اسلامی

مهدی میری

دکتری حقوق خصوصی، فقه و مبانی حقوق اسلامی و سطح ۴ حوزه علمیه خراسان، پژوهشگر پسادکتری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ایران، مشهد

ایمیل: mirimahdi276@gmail.com

چکیده

حکم مشارکت زنان در کارزار نظامی از کلیدی‌ترین مباحث فقه دفاعی و فقه سیاسی اسلام است. نگرش مشهور و سنتی فقیهان امامیه برپایه‌ی نفی وجوب جهاد بر زنان و اختصاص آن به مردان استوار است؛ دیدگاهی که عمدتاً با استناد به روایات نافی قتال، نفی توان جسمانی و ادعای اجماع شکل گرفته است. هدف این پژوهش، بازخوانی فقهی ادله‌ی عدم وجوب جهاد بر زنان با تمرکز بر جنگ‌های نوین است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و با رویکردی انتقادی به بررسی مبانی فقهی پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تفکیک سنتی میان وظایف نظامی زن و مرد، معلول تلقی نبرد به مثابه «کارزار بدنی و قتال مستقیم فیزیکی» بوده است. با تغییر نوع جنگ‌ها به سمت نبردهای ترکیبی، سایبری، الکترونیک و اطلاعاتی، ملاک «ضعف جسمانی» کارکرد خود را از دست داده و بخش عمده‌ای از نفی تکلیف در روایات و اجماع، تخصصاً از شمول بر جنگ‌های فناورانه خارج است. از این رو، در نبردهای نوین، حضور تخصصی زنان نه تنها مشروع، بلکه براساس عمومات قرآنی، سیره نبوی در تقسیم کار دفاعی، و قاعده‌ی ملاک محور وجوب «اعداد قوه»، به عنوان یک تکلیف ثانوی و در مواردی اولی، ضرورت و وجوب می‌یابد.

واژگان کلیدی: فقه امامیه، جهاد دفاعی، مشارکت نظامی زنان، جنگ‌های نوین، پدافند سایبری، موضوع‌شناسی فقهی.

مقدمه

جهاد در تشریع اسلامی از ارکان صیانت بخش جامعه و از تکالیف بنیادینی است که شریعت، بقا و عزت امت را به آن گره زده است. در خوانش‌های فقهی سنتی، تفکیکی کلان میان وظایف نظامی زن و مرد به چشم می‌خورد؛ تا جایی که بر اساس رأی مشهور و ادعای اجماع فقیهان امامیه، تکلیف «جهاد ابتدایی» صراحتاً از عهده زنان ساقط شده و ذکوریت به عنوان یکی از شرایط اساسی وجوب جهاد قلمداد گردیده است. با این حال، ماهیت صیانت از حریم اسلام و دفاع از موجودیت جامعه ایمانی، از امور فراملی، فرا جنسیتی و تخصیص‌ناپذیر است که عموم امت را مخاطب خود قرار می‌دهد. این دوگانگی میان «معافیت زنان از جهاد ابتدایی» و «ضرورت همگانی دفاع»، در پهنه‌ی نبردهای کلاسیک مبتنی بر شمشیر و سپر، با ملاک‌هایی چون ضعف قوای جسمانی توجیه می‌شد؛ اما با ورود به عصر نبردهای نوین، این مفروضات با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند.

بدیهی است که قلمرو جهاد، مفهومی وسیع‌تر از «قتال» (مقاتله فیزیکی تن به تن) دارد. سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غزوه‌های صدر اسلام نشان می‌دهد که تشکیلات نظامی مسلمانان همواره از ظرفیت نظام‌مند زنان در لایه‌های پشتیبانی، لجستیک و درمان مجروحان بهره جسته است. حتی در فرضی که قائل به انحصار جهاد بر مردان باشیم، احکام ثانویه و شرایط اضطراری - نظیر



کمبود نیروی انسانی رزمنده یا احساس خطر برای کیان اسلام - همواره به عنوان محرکی برای وجوب حضور زنان در معرکه مطرح بوده‌اند؛ چرا که پذیرفتنی نیست شریعت اسلامی در مقام «جهاد دفاعی»، زنان را مکلف به حراست از مرزها بداند، اما در شرایطی که اساس و بقای حاکمیت اسلامی در خطر سقوط است، آنان را از دایره تکلیف ساقط فرض کند.

آنچه در عصر حاضر بازخوانی این مسئله را ناگزیر می‌سازد، تحول شگرف در «موضوع‌شناسی جنگ» است. در گذشته، نبرد مترادف با برخوردهای بدنی خشن در خط مقدم بود؛ در حالی که امروزه با ظهور جنگ‌های نوین (شامل پدافند سایبری، جنگ الکترونیک، هدایت سامانه‌های پهبادی، عملیات اطلاعاتی و جنگ شناختی)، میدان نبرد به اتاق‌های فرماندهی و بسترهای فناورانه منتقل شده است. در این پارادایم جدید، برتری فیزیکی جای خود را به دانش فنی، سرعت پردازش داده‌ها، هوش و تخصص داده است. با تغییر ماهوی موضوع جنگ، ملاک‌های سنتی سقوط تکلیف جهاد از زنان (نظیر ضعف قوای بدنی) عملاً سالبه به انتفاء موضوع شده است و تعمیم احکام خاص جهاد ابتدایی سنتی به پهنه‌ی دفاع نوین، فاقد وجاهت اصولی به نظر می‌رسد. از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی انتقادی و با روش توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش است که آیا سقوط تکلیف جهاد از زنان، حکمی مطلق و فراتاریخی است یا معطوف به شرایط ابزاری و ساختار نبردهای سنتی بوده است؟ برای پاسخ به این مسئله، ابتدا با تکیه بر مفهوم‌شناسی جهاد و قتال، مرزهای

مفهومی این دو واکاوی می‌شود؛ سپس ادله‌ی سنتی قائلان به عدم وجوب جهاد بر زنان (اعم از روایات مأثور، ادعای اجماع و خطابات قرآنی) در ترازو و بستر اقتضائات جنگ‌های نوین مورد نقد، واکاوی و بازخوانی فقهی قرار می‌گیرد تا مشروعیت و در مواردی وجوب مشارکت تخصصی زنان در ساختار دفاعی معاصر تبیین گردد.

۱. مفهوم‌شناسی جهاد

واژه «جهاد» در لغت، برآمده از ریشه «جهد» و «جُهد» است و برنهایت تلاش، سخت‌کوشی و صرف تمام توان در راه وصول به مقصود دلالت دارد؛ چنان‌که در برخی منابع، آن را به معنای مشقت و زحمت، و نیز به کارگیری توان در برابر دشمن دانسته‌اند (بندریگی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۹۴؛ راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۰۱؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۲، صص. ۷۷-۷۸). اما در اصطلاح فقهی، جهاد از فروع مهم دین اسلام به شمار می‌آید و در پاره‌ای موارد واجب عینی و در بسیاری از موارد واجب کفایی است. صاحب‌جو/هرآن را «بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر دین» تعریف می‌کند (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۲۱، ص ۳)؛ تعریفی که نشان می‌دهد جهاد صرفاً به صحنه‌ی نبرد مستقیم محدود نیست، بلکه هرگونه فداکاری مؤثر در پاسداری از دین را دربرمی‌گیرد. از همین رو، جهاد یکی از ارکان برجسته‌ی اسلام شمرده شده است (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۵۳، ح ۲). با این حال، آنچه در این بحث بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد،



جهاد ابتدایی است؛ زیرا در برابر آن، هرگاه دشمن به سرزمین اسلامی تعرض کند، جهاد دفاعی بر زن و مرد به طور یکسان واجب می‌شود و حفظ کیان اسلام، تکلیفی مشترک و همگانی خواهد بود.

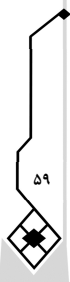
۲. حکم جهاد زن در کلام فقها

در فقه امامیه، اصل عدم وجوب جهاد ابتدایی بر زنان، تقریباً مورد اتفاق فقهاست و در آثار متعدد بر آن تصریح شده است؛ چنان که در کنار سقوط تکلیف از زن، کودکان، بیماران، نابینایان و کسانی که توان فراهم کردن لوازم جهاد را ندارند، بر این نکته تأکید شده که جهاد آغازین ناظر به شرایط خاص و متناسب با اقتضائات جسمی و اجتماعی مردان است (طوسی، بی‌تا: ۲۹۴؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۱؛ ابن ادریس، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴). با این حال، روایات نشان می‌دهد که این عدم تکلیف، ناظر به همه اقسام جهاد نیست؛ برای نمونه، در پاسخ به پرسش از جهاد زنان، به «جهادی بدون خونریزی» یعنی حج و عمره اشاره شده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴). از سوی دیگر، برخی فقها با تفکیک میان انواع جهاد، تصریح کرده‌اند که سقوط حکم از زن، عمدتاً در جهاد ابتدایی است؛ اما در جهاد دفاعی، به ویژه هنگامی که کیان اسلام یا سرزمین‌های مسلمانان در معرض تهدید و هجوم قرار گیرد، تکلیف دفاع به زن و مرد اختصاص ندارد و هر فرد توانمند، به اندازه قدرت خویش مخاطب حکم است (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۲، صص ۳۹۵-۳۹۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۷؛ حسینی طهرانی، ۱۳۶۶، ص ۶۷).

صاحب ریاض نیز با پذیرش این تفکیک، بر آن است که آنچه به نحو مسلم از

دوش زن برداشته شده، جهاد ابتدایی دعوتی است؛ اما در سایر شقوق جهاد، به ویژه در مقام دفاع از بلاد اسلامی، منع قطعی در کار نیست و بلکه در برخی صورت‌ها، وجوب آن بر زنان نیز قابل اثبات است (حسینی طهرانی، ۱۳۶۶: ۵۵). این رویکرد در کلام صاحب‌جواهر نیز دیده می‌شود که هرچند جهاد ابتدایی را بر زنان واجب نمی‌داند و بر عدم خلاف و حتی ادعای اجماع در این زمینه تکیه می‌کند، اما همین اجماع را بی‌چالش ندانسته و احتمال مدرکی بودن آن را مطرح می‌سازد (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۲۱، صص ۷-۸). افزون بر این، در نقل‌های فقهی، روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده که براساس آن، جهاد مردان در بذل جان و مال تعریف شده، در حالی که برای زن، جهادی متناسب با طبیعت و موقعیت او بیان شده است؛ روایتی که معمولاً در استدلال فقها برای تفکیک میان دو ساحت جهاد قتال و تکالیف متناسب با زنان مورد استناد قرار می‌گیرد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۲۳، ح ۱).

در فقه اهل سنت نیز تصویر کلی مشابهی دیده می‌شود. در منابع حدیثی، از جمله در پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه، آمده است که بر زنان، «جهادی غیر از قتال» مقرر شده و آن، حج و عمره است (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۲۱، کتاب الجهاد). فقیهان این مکتب نیز، در تعریف جهاد خاص، غالباً آن را از دایره تکلیف زنان و کودکان خارج دانسته‌اند؛ زیرا این نوع از جهاد مستلزم تحمل فشار و دشواری‌هایی است که با وضعیت غالب آنان تناسب ندارد (کاسانی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۹۸؛ شربینی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۰۸). با این حال، در تحلیل نهایی این دیدگاه‌ها نیز می‌توان همان نکته اساسی را دید: اختصاص جهاد ابتدایی به مردان، در برابر اشتراک زنان و مردان در جهاد دفاعی و نقش‌های پشتیبانی متناسب با



ضرورت.

۳. ادله قائلان به عدم وجوب جهاد بر زن و نقد فقهی آن‌ها با تمرکز بر جنگ‌های نوین

مسئله‌ی وجوب یا عدم وجوب مشارکت زنان در نبرد، از امهات مسائل در حوزه فقه دفاعی و فقه سیاسی است. نگرش سنتی و مشهور میان فقیهان امامیه، بر عدم موضوعیت وجوب جهاد ابتدایی بر زنان استوار است. با این حال، تعمیم بدون ضابطه‌ی این دیدگاه به مطلق پهنه‌ی دفاع و به‌ویژه حوزه «جنگ‌های نوین»، با چالش‌های نظری و موضوع‌شناختی عمیقی روبه‌رو است. بسیاری از ادله‌ی نافی وجوب که در متون متقدم فقهی اقامه شده‌اند، متأثر از تصور سنتی از نبرد (به مثابه مقاتله‌ی فیزیکی تن‌به‌تن و اصطکاک مستقیم بدنی) بوده‌اند. با دگرگونی بنیادین در ماهیت و ابزارهای جنگ در عصر حاضر، بازخوانی این ادله و واکاوی انتقادی آن‌ها از منظر کارکردهای راهبردی و فناورانه‌ی نبرد نوین، نه یک ضرورت صرفاً نظری، بلکه لازمه‌ی پویایی اجتهاد فقهی است. در ادامه، ادله‌ی مشهور را بر مبنای اقتضائات جنگ‌های نوین مورد نقد و واکاوی قرار می‌دهیم.

۳-۱. سنت و روایات؛ دلالت بر نفی مطلق یا نفی قتال سنتی؟

عمده‌ترین مستند قائلان به عدم وجوب جهاد بر زنان، نصوص روایی است که جهاد زن را در اموری غیر از کارزار نظامی به تصویر کشیده‌اند. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ أَنْ يَدُلَّ مَالَهُ وَدَمَهُ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۲۳).

در کتب اهل سنت نیز شبیه به این مضمون از عایشه روایت شده که از رسول خدا ﷺ درباره وجوب جهاد بر زنان پرسید و ایشان فرمودند:

«عَلَيْهِنَّ جِهَادٌ لَا قِتَالٌ فِيهِ: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳: ۲۲۱).

در نقد فقهی و دلالتی این مستندات با ابزار موضوع‌شناسی جنگ‌های نوین، می‌توان چند محور اساسی را مطرح ساخت:

- خدشه‌سندی در روایات نفی: در اسناد برخی از این روایات، راویانی غیرموثق همچون «ابن علوان» قرار دارند که به تصریح رجالیون بزرگی چون مامقانی، وثاقت فقهی آن‌ها احراز نشده و محل تردید جدی هستند (مامقانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۱). از منظر قواعد اصولی، بنیان نهادن حکمی با اهمیت جهاد و دفاع بر روایاتی که واجد ضعف سندی هستند، خالی از اشکال نیست.

- تغییر سنخ موضوع (مفهوم‌شناسی قتال در برابر جهاد نوین): حتی با پذیرش صدور این روایات، دلالت آن‌ها بر نفی مطلق حضور زنان در جنگ‌های نوین تمام نیست. روایت پیامبر ﷺ صراحتاً جهادی را نفی می‌کند که در آن «قتال» (به معنای جنگ فیزیکی و شمشیرزنی مستقیم) باشد. در فقه نوین، موضوع جنگ تغییر کرده است؛ امروز بخش اعظم سرنوشت جنگ‌ها در اتاق‌های فرماندهی سایبری، اپراتوری هدایت پهپادها، جنگ الکترونیک (جنگال)، پردازش داده‌های اطلاعاتی و تحلیل‌های ماهواره‌ای رقم می‌خورد که هیچ‌یک مصداق «قتال تن‌به‌تن فیزیکی» نیستند. بنابراین، تلازم منطقی میان «نفی قتال

سنتی» و «نفی حضور در جنگ نوین اطلاعاتی-فناورانه» وجود ندارد و روایات از این حیث فاقد شمول هستند.

- چالش تخصیص عمومات قرآنی با خبر واحد: آیات متعددی از قرآن کریم مانند آیات ۲۱۶ و ۲۱۸ سوره بقره، ۱۹۱ و ۱۹۲ سوره بقره، ۲۹ سوره توبه و آیات ۳۶، ۳۹ و ۴۰ سوره انفال بر لزوم مقاومت، جهاد و آمادگی دفاعی امت اسلامی دلالت دارند. تخصیص این عمومات صریح و محکم قرآنی به وسیله روایاتی که یا ضعف سندی دارند یا دلالت‌شان بر نفی مطلق حضور زنان تمام نیست، از نظر اصولی با مبانی بزرگانی چون سید مرتضی و شیخ طوسی که در تخصیص قرآن به خبر واحد تشکیک کرده‌اند، ناسازگار است (سید مرتضی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۵۲۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۴۴).

- قاعده جمع عرفی و اخذ به قدر متیقن: روش فقهی اقتضا می‌کند که میان این روایات و عمومات قرآنی جمع عرفی صورت گیرد. قدر متیقن مفاد روایات نافی، سلب تکلیف «حضور در خط مقدم فیزیکی و اصطکاک بدنی با دشمن در قالب قتال کلاسیک» است. این سلب تکلیف، هرگز به معنای محرومیت یا سلب تکلیف از نقش‌آفرینی در زیرساخت‌های فناورانه، سایبری و اطلاعاتی جنگ‌های نوین نیست (مظفر، ۱۴۳۰، ج ۳: ۲۳۵).

۲-۳. سیره نبوی؛ الگوی پویای مشارکت عملیاتی و پشتیبانی

مطالعه عمیق در سیره معصومین علیهم‌السلام نشان می‌دهد که معافیت زنان از جهاد، به معنای خانه‌نشینی و انزوای آنان در زمان کارزار نبوده است. در سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بارها حضور نظام‌مند زنان در جبهه‌ها ثبت شده است. بانوانی نظیر

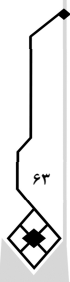


ام‌سلیم و عایشه در غزوه احد، وظایف سنگین تدارکاتی، آبرسانی و یاری مجروحان را بر عهده داشتند (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۴۸؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۵۱۵). همچنین مجاهدت‌های نسبیّه بنت کعب در دفاع مستقیم نظامی از پیامبر ﷺ و جانبازی وی، گواهی بر این مدعاست (ابن سعد، ۱۳۷۷، ج ۸: ۴۵۵؛ عسقلانی، ۱۳۹۶، ج ۵: ۲۵۹).

تحلیل فقهی این سیره با عینک جنگ‌های نوین، نتایج ارزشمندی به دست می‌دهد:

در جنگ‌های معاصر، تفکیک سنتی میان «خط مقدم نبرد» و «پشت جبهه» فرو ریخته است. در بستر جنگ‌های شبکه محور، هر سیستمی که به پایداری دفاع کمک کند، بخشی از معرکه است. سیره نبوی ثابت می‌کند که پیامبر ﷺ تفکیک وظایف براساس کارآمدی را به رسمیت می‌شناختند. وقتی در عصر رسانه و سایبر، جنگ‌ها جنبه‌ی شناختی و الکترونیکی به خود می‌گیرند، حضور زنان در تخصص‌های نوین دفاعی، استمرار فقهی همان حضور ساختاریافته در صدر اسلام است.

علاوه بر این، در شریعت اسلام حفظ اساس جامعه اسلامی در صدر اولویت‌ها قرار دارد؛ چنان‌که شهادت نخستین زن مسلمان (سمیه) نشان می‌دهد که زنان در اصل رویارویی با کفر پیش‌قدم بوده‌اند (آیتی، ۱۳۷۸: ۱۰۱). بنابراین، در جهاد نوین که کیان فکری و فیزیکی جامعه هدف حمله قرار می‌گیرد، استفاده از ظرفیت تخصصی زنان برپایه سیره عملی معصومین کاملاً مشروع و مقتضای قاعده است (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱۸: ۱۹-۲۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۹۳-۴۹۴).



۳-۳. تفکیک جهاد ابتدایی و دفاعی؛ تعمیم نابجای احکام جهاد ابتدایی به دفاع

نوین

یکی از خلط‌های رایج در استدلال‌های مخالفان مشارکت زنان، تسری احکام خاص «جهاد ابتدایی» به قلمرو «جهاد دفاعی» است. فقیهان بزرگ به ندرت در وجوب دفاع همگانی تردید کرده‌اند. در جهاد ابتدایی که به منظور دعوت یا توسعه مرزهای حاکمیت اسلام با فرمان مستقیم معصوم علیه‌السلام صورت می‌گیرد، شرط ذکوریت به دلیل ماهیت هجومی و خشن کارزار فیزیکی وضع شده است؛ اما در جهاد دفاعی که برای حراست از ناموس، وطن و کیان اسلام است، معیار، «قدرت و توان دفاعی» است و جنسیت مداخلیتی در اصل حکم ندارد (علامه حلی، ۱۳۷۸: ۱۳۴؛ سرخسی، ۱۹۹۳، ج ۵، کتاب الجهاد).

در فضای جنگ‌های نوین، تهاجم دشمن غالباً ماهیتی هیبریدی (ترکیبی) دارد؛ یعنی به صورت هم‌زمان در ابعاد سایبری، اطلاعاتی، اقتصادی و رسانه‌ای اعمال می‌شود. در برابر چنین تهاجمی، هر شهروندی که تخصص و توان خنثی‌سازی حملات دشمن را داشته باشد، مخاطب حقیقی وجوب دفاع است. از این رو، تعمیم شرط ذکوریت از جهاد ابتدایی فیزیکی به جهاد دفاعی نوین، فاقد وجاهت اصولی است. چنان‌که فقیهان معاصر نیز تصریح کرده‌اند، تقسیم کار در امر دفاع واجب است و در صورتی که دفاع در ابعاد علمی، سایبری و فنی نیازمند حضور زنان باشد، این حضور بر آنان واجب خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۱۲-۴۱۳).

۳-۴. نقد مبنایی اجماع؛ مدرکی بودن و عدم شمول بر شرایط معاصر
قائلان به سقوط تکلیف جهاد از زنان، غالباً به اجماع تمسک جسته و
ذکوریت را شرط مسلم و اجماعی مجاهدان دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۲۱: ۵-
۷). این استدلال از دو جهت فقهی و اصولی مخدوش است:

۱. مدرکی بودن اجماع: با توجه به وجود روایات پیش گفته در منابع فقهی،
این اجماع به وضوح «مدرکی» یا دست کم «محتمل‌المدرک» است. اعتبار
اصولی چنین اجماعی به مدرک آن بستگی دارد و از آنجا که روایات مدرک آن با
چالش سند و دلالت روبرو هستند، اجماع نیز نمی‌تواند به عنوان دلیلی مستقل و
تعبدی کاشف از رای معصوم علیه السلام عمل کند.

۲. عدم شمول به دلیل تفاوت سالبه به انتفاء موضوع: اجماعی که فقیهان
گذشته منعقد کرده‌اند، ناظر به ساختار ارتش‌های سنتی و نبردهای مبتنی بر
شمشیر و سپر بوده است. تسری این اجماع به مسائل مستحدثه‌ای چون
جنگ‌های سایبری و دفاع نوین اطلاعاتی، خروج از محل انعقاد اجماع است. در
حقیقت، موضوع جنگ نوین اساساً در مخیله مجمعین متقدم نبوده تا بتوان
اتفاق نظر آنان را شامل این حوزه دانست. بنابراین، در مسائل مستحدثه، باید به
قواعد عام کتاب و سنت بازگشت.

۳-۵. دلالت عمومات قرآنی و الغای خصوصیت از جنسیت با ملاک توانایی
استناد به صیغه‌های جمع مذکر در خطابات قرآنی جهاد (مانند «جاهدوا» یا
«قاتلوا») برای اثبات اختصاص تکلیف به مردان، با اصول مسلم تفسیر و ادبیات
عرب در تضاد است. در عرف زبان عربی و زبان قرآن، صیغه‌های جمع مذکر به

عنوان خطابات مشترک میان زن و مرد به کار می‌روند و الغای خصوصیت از جنسیت در احکام عمومی، یک رویه رایج فقهی است. تخصیص این خطابات عام، نیازمند دلیل صریح و قوی است که چنین دلیلی در دست نیست. علاوه براین، در تحلیل علت معافیت زنان در فقه سنتی، مسئله «ضعف ساختاری و بدنی» (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۲۱: ۷) مطرح شده است. این ملاک در جنگ‌های نوین دستخوش تغییر بنیادین شده است:

امروزه در جنگ‌های سایبری، نبردهای فضایی، برنامه‌نویسی‌های دفاعی و اپراتوری سامانه‌های پیشرفته پدافندی، برتری بدنی یا توانایی عضلانی هیچ مداخلیتی در خروجی جنگ ندارد. در این ساحت‌ها، هوش، تخصص، سرعت عمل ذهنی و دقت، متغیرهای اصلی هستند که زنان در این زمینه‌ها نه تنها وضعی نسبت به مردان ندارند، بلکه گاه کارآمدی بالاتری از خود نشان می‌دهند. بنابراین، با منتفی شدن ملاک «ضعف جسمانی» در جنگ‌های فناورانه، حکم معافیت ناشی از آن نیز در این حوزه‌ها منتفی می‌گردد و لزوم مشارکت تخصصی زنان تحت عمومات قرآنی باقی می‌ماند.

۳-۶. جنگ نوین و ضرورت بازتعریف ساختاری مشارکت زنان

تغییر پارادایم جنگ‌ها از فیزیکی به اطلاعاتی و شناختی، بازتعریف جامع از مفهوم «مشارکت زنان در جهاد» را الزامی می‌سازد. در دوران معاصر، جنگ‌ها دیگر در مرزهای جغرافیایی خلاصه نمی‌شوند؛ فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های سایبری، جبهه‌های جدید نبرد هستند.

در این میدان‌های نوین، حضور زنان در نقش‌هایی چون:

- مدیریت و پدافند سایبری؛





- جنگ الکترونیک و تحلیل کدهای مخرب؛
- فرماندهی بخش‌های ترابری هدایت‌پذیر از دور (پهپادها)؛
- برنامه‌ریزی لجستیکی نوین و جنگ روانی-رسانه‌ای؛

نه تنها مصداق کامل دفاع از کیان جامعه اسلامی است، بلکه در بسیاری از سناریوها، به جهت توانمندی‌های منحصربه‌فرد زنان در تحلیل جزئیات و پردازش‌های چندگانه، اثربخشی بالاتری را به همراه دارد. به این ترتیب، اصرار بر حاشیه‌نشینی زنان در ساختارهای دفاعی برپایه برداشت‌های سنتی، منجر به محروم‌سازی ارتش اسلام از نیمی از نیروی انسانی کارآمد خود در جنگ‌های نوین می‌شود؛ امری که با قاعده عقلی و شرعی «وجوب اعداد قوه» (آمادگی دفاعی حداکثری) در تضاد است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی واکاوی ادله‌ی فقهی نافی وجوب جهاد بر زنان و تطبیق آن بر ساختار نبردهای معاصر، به نتایج راهبردی و تحلیلی زیردست یافته است:

۱. انحصار ادله‌ی نافی به قتال فیزیکی سنتی: واکاوی سندی و دلالت‌شناختی روایات نشان می‌دهد که تعبیر «جِهَادٌ لَا قِتَالٌ فِیْهِ» یا نفی حضور زنان در کارزار، معطوف به جنگ‌های سنتی مبتنی بر قدرت عضلانی و درگیری تن‌به‌تن (قتال مادی) است. این روایات فاقد دلالت و شمول نسبت به عرصه‌های نوین دفاعی (همچون دفاع سایبری، اطلاعاتی و فرماندهی سامانه‌های هدایت‌پذیر) هستند؛ در نتیجه، با انتقای موضوع قتال سنتی، سالبه به انتقای موضوع خواهند بود.
۲. مدرکی بودن اجماع ادعایی و عدم اصالت آن: اجماع مورد استناد در

شرط «ذکوریت» برای جهاد، به دلیل وجود روایات عام و خاص در منابع اولیه، اجماعی مدرکی یا محتمل‌المدرک است. از این رو، این اجماع کاشفیت تعبدی از رأی معصوم علیه السلام نداشته و نمی‌تواند به عنوان دلیلی مستقل در برابر عمومات کتاب و سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در استفاده از توان دفاعی زنان مقاومت کند.

۳. **عدم انحصار خطابات قرآنی به جنسیت:** خطابات جهاد در قرآن کریم که با ساختار جمع مذکر نازل شده‌اند، طبق قواعد مسلم اصولی و عرف زبانی عرب، ناظر به عموم جامعه ایمانی (اعم از مرد و زن) بوده و خروج زنان از این عمومات نیازمند دلیل تخصیص قوی است که چنین مقیدی در جنگ‌های دفاعی و نوین وجود ندارد.

۴. **تغییر منای تکلیف از قدرت بدنی به تخصص و فناوری:** ملاک «ناتوانی جسمی» که پیشتر به عنوان فلسفه یا علت معافیت زنان از جهاد مطرح می‌شد، در جنگ‌های نوین رنگ باخته است. در نبردهای هیبریدی و الکترونیک، هوش سرشار، دقت، سرعت پردازش داده و تخصص نرم‌افزاری ملاک کارآمدی است؛ بنابراین با الغای خصوصیت از جنسیت، زنان واجد شرایط تکلیف دفاعی خواهند بود.

۵. **وجوب آمادگی دفاعی بر اساس قاعده «اعداد قوه»:** محروم ساختن ساختار دفاعی جامعه اسلامی از توانمندی‌های فناورانه و اطلاعاتی زنان در شرایط جنگ نوین، با فرمان عقلی و شرعی آمادگی حداکثری در برابر دشمن (آیه ۶۰ سوره انفال) مغایرت دارد. بر این اساس، سازماندهی و مشارکت تخصصی زنان در بخش‌های سایبری، لجستیکی و پدافند غیرعامل در فرض نیاز جبهه اسلام، وجوب فقهی می‌یابد.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌ادریس حلی، محمدبن منصور (۱۴۱۱ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۹۶). الإصابه فی تمییز الصحابه، قاهره: مطبعه السعاده؛ قاهره، مکتبه کلیات الازهریه.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۷۷). الطبقات الکبری، لبنان: دارالصادر.
۴. آیتی، سید محمد ابراهیم (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ ق). صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
۶. بندرریگی، محمد (۱۳۸۲). المعجم الوسیط، قم: انتشارات اسلامی.
۷. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، تحقیق سید محمد کلانتر، بیروت: دارالعلم الاسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). زن در آیین جلال و جمال، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.



۱۰. حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۳۶۶). رساله بديعه، تهران: انتشارات صدرا.
۱۱. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۳۷۸). تحریر الاحکام الشرعیّه علی مذهب الامامیه، تحقیق ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا). تذکره الفقهاء، بی جا: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). مفردات الفاظ القرآن، تصحیح داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دارالشامیه.
۱۴. السرخسی، ابوبکر بن محمد (۱۹۹۳). المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
۱۵. سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین (۱۳۶۳). الذریعه الی تصانیف اصول الشریعه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. شربینی، محمد الشربینی الخطیب (۱۳۷۷). مغنی المحتاج، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۷. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: المکتبه المرتضویه.
۱۸. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق). عدّه الاصول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۹. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (بی تا). التّهایه فی مجرّد الفقه و الفتاوی، دارالاندلس، افست منشورات قدس محمدی.

۲۰. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۹ ق). بدائع الصنائع، پاکستان: المکتبه الحبییه.
۲۲. کاشف الغطاء، شیخ جعفر بن خضر (بی تا). کشف الغطاء، اصفهان: چاپ مهدوی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۸). الفروع من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مامقانی، عبدالله (۱۳۸۹). تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۲۵. مجلسی (علامه)، محمد باقر (۱۳۶۲). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، تحقیق سید جواد علوی، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۲۶. مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰). أصول الفقه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). استفتائات امام خمینی، قم: دفتر نشر فرهنگ.
۲۸. نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن (۱۳۷۳). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. واقدی، محمد بن عمرو اقدی (۱۳۶۹). مغازی (تاریخ جنگ های پیامبر)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.